

کل‌گرایی و تقدس در تعلیم و تربیت:

یک دیدگاه اسلامی

سوسن کشاورز

دانشجوی دکترای فلسفه تعلیم و تربیت

چکیده

توجه به معرفت‌شناسی اسلامی از ضروریات اساسی جامعه اسلامی می‌باشد. تبلور بخشیدن به این مقوله، نیازمند ارائه بنیادهای فکری و روشی لازم است، تا از طریق آن افراد مجهز به ابزارهای لازم فکری گردند و امکان آن فراهم آید که ساختار فکری افراد مسلمان بر مبنای دیدگاه اسلامی تجدید بنا گردد. به نظر می‌رسد نظام آموزش و پرورش به دلیل جایگاه کلیدی و نقش مؤثری که در شکل‌گیری شخصیت نسل نو دارد، می‌تواند به عنوان نقطه شروع انجام حرکت اصلاحی در این زمینه مورد توجه قرار گیرد. یکی از تلاش‌های انجام گرفته در راستای پاسخ‌گویی به این نیاز، اثری است با نام «کل‌گرایی و تقدس در تعلیم و تربیت یک دیدگاه اسلامی» که توسط خانم دکتر زهرا الزیبرا تدوین شده است. نویسنده در این کتاب به دنبال احیای یک دیدگاه کل‌نگر است و الگوی ارائه شده از سوی وی، بر توحید یعنی یگانگی خدا به عنوان ایده محوری در اسلام تأکید دارد و بر اساس همین دیدگاه، مبنایی کل‌گرایانه برای برنامه درسی پیشنهاد گردیده است. نویسنده در بحث خویش پدیدارشناسی را به عنوان یک روش تحقیق سودمند در الگوی اسلامی مورد تأکید قرار داده و معتقد است از طریق الگوی اسلامی پیشنهادی می‌توان دوگانگی‌های تلفیق‌ناپذیر مانند ماده و معنا، انسان و خدا، متغیر و ثابت، فردی و اجتماعی، عقلانی و شهودی، نظری و عملی و فعال و منفعل را از میان برداشت. همچنین

نویسنده بر تفکر دیالکتیکی به عنوان مبنای مباحث این کتاب تأکید دارد. در واقع، تصویری منسجم و یکپارچه از معرفت که منجر به فهم انسانی یکپارچه از خدا، جهان و ماهیت انسان می‌گردد، بنیان و محور این کتاب را تشکیل می‌دهد.

واژه‌های کلیدی

معرفت‌شناسی اسلامی، کل‌گرایی، تقدس، تربیت اسلامی، برنامه درسی

مقدمه

توجه به معرفت‌شناسی اسلامی برای بازسازی فرهنگی و حضور سازنده دین در توسعه پایدار، غیرقابل انکار است، این طرح برای از میان بردن جدایی موجود میان تئوری و عمل، اندیشه و واقعیت، علم و دین و آغاز بنای سیستم فعال و منسجم آموزشی بسیار ضروری به نظر می‌رسد. معرفت‌شناسی اسلامی، چهارچوب ارزشی مترقیانه‌ای را برای فرد و جامعه، اندیشه و عمل، آموزش و پرورش، شناخت و سازماندهی و دنیا و آخرت فراهم می‌آورد.

برای تحقق کامل معرفت‌شناسی اسلامی و به ثمر نشستن آن، باید کلیاتی تحکیم و ابعادی تکمیل شود تا بتوان ادعای تحقق عملی آن را فراهم ساخت. پایه و اساس معرفت اسلامی، برخوردار از مبانی، اصول و میراث فرهنگی اسلام در کنار علوم انسانی، اجتماعی و تجربی و همچنین برخوردار از نگرش اسلامی به مفاهیم فلسفی و روش‌شناختی آن است. اصولی که می‌توان به عنوان چهارچوب و خاستگاه اساسی برای اندیشه اسلامی مورد ملاحظه قرار داد و به عنوان برنامه عملی به آنها توجه کرد عبارتند از:

ایمان به اصل توحید و ضرورت فراگیر بودن آن در سایر ابعاد فکری، فرهنگی، اعتقادی و عملی.

ایمان به وحدت آفرینش و هماهنگی کامل در نظام هستی.

ایمان به جانشین خدا بودن انسان در زمین و تسخیر جهان و طبیعت توسط او.

ایمان به یگانه بودن حقیقت.
ایمان به برنامه کامل داشتن دین اسلام در زندگی.
ایمان به جهان‌بینی اسلامی در خصوص انسان، جامعه و هستی.
ایمان به کمال وحی و سازگاری کامل آن با عقل. (مؤسسه جهانی اندیشه اسلامی، ۱۳۷۴)

تبلوربخشیدن به مقوله اسلامی کردن معرفت، نیازمند آگاهی نیروهای دل‌سوخته و ایجاد نهادهای علمی جهت بررسی جوانب گوناگون آن می‌باشد. باید به دنبال تدارک و ارائه بنیادهای فکری و روشی لازم بود تا منظومه فکری جایگزین به دست‌آید و از طریق آن خرد انسان مسلمان و ساختارهای متناسب بانحوه نگرش اسلام به‌هستی و حیات و انسان شکل بگیرد؛ نگرشی که خمیرمایه خود را از کتاب خدا و سنت رسول خدا بگیرد و انسان را به تدبیر درهستی و قوانین وجود و وحدت حق و وحدت خلق و اصول تسخیرطبیعت و شرایط تمکین و خلافت روی زمین سوق دهد. از طریق این کوشش‌هاست که امت اسلامی مجهز به ابزارهای فکری لازم می‌گردد و امکان آن فراهم می‌شود تا ساختار فکری مسلمانان بر مبنای دیدگاه اسلامی تجدید بنا گردد. یکی از تلاش‌های انجام‌گرفته در سال‌های اخیر در راستای پاسخ‌گویی به این نیاز توسط خانم دکتر زهرا الزیرا، در کتابی تحت عنوان «کل‌گرایی و تقدس در تعلیم و تربیت، یک دیدگاه اسلامی» تحقیق یافته است. این کتاب توسط مؤسسه جهانی اندیشه اسلامی در سال ۲۰۰۱ میلادی چاپ گردیده است.

محتوای تدوین شده در این کتاب نقش اساسی در تدوین معرفت‌شناسی اسلامی دارد. نویسنده در این کتاب به دنبال احیای یک دیدگاه کل‌نگر واقعی^۲ می‌باشد، الگو یا چشم‌انداز ارائه شده از سوی وی، بر توحید، یعنی یگانگی خدا به عنوان ایده حاکم در اسلام، تأکید دارد و براساس اندیشه توحیدی در اسلام، مبنایی

۱. فارغ‌التحصیل دکترا از دانشگاه تورونتو، واقع در امریکای شمالی در رشته ارزیابی، اندازه‌گیری و کاربردهای کامپیوتر (MECA)، اهل کشور بحرین.

2. Holistic perspective

کل گرایانه برای برنامه درسی پیشنهاد شده است؛ به عبارت دیگر با توجه به یگانگی خدا، در خصوص یگانگی نظام جهان و طبیعت، یگانگی دانش و یگانگی روش‌شناسی بحث شده است و بنابراین توصیه شده است که در برنامه درسی نیز وحدت جهت‌گیری، وحدت روش‌شناختی و وحدت دانشی مورد نظر قرار گیرد، نویسنده در بحث خویش، پدیدار شناسی را به عنوان یک روش تحقیقی سودمند در الگوی اسلامی مورد تأکید قرار داده است. از طریق الگوی اسلامی پیشنهادی، می‌توان وحدت علم و دین، فیزیک و متافیزیک، دانش و ارزش و تمامی حوزه‌های علمی را فهمید و فعالیت‌هایی را که اغلب تحت عنوان دوگانگی‌های تلفیق‌ناپذیر رو به روی هم قرار داده می‌شوند مانند انسان و خدا، ماده و معنا، متغیر و پاینده، مادی و معنوی، فردی و اجتماعی، عقلانی و شهودی، نظری و عملی، ایده آلی و واقع‌گرائی، فعال و منفعل را دریافت. دکتر الزیرا، تفکر دیالکتیکی را ستون فقرات کتابش می‌داند و آن را با مفاهیمی تعریف می‌کند که از محدودیت‌های دوگانگی‌ها، فراتر می‌روند و بیان می‌دارد که این سبک پیشرفته تفکر، جایگاه خاصی در موجودات انسانی دارد، او تلاش دارد تضادها را هماهنگ کند و کثرت‌های منطقی را یک‌پارچه سازد. نویسنده به طور معناداری به کارهای ریچل و فلاورا، روان‌شناسان شناخت‌گرا رجوع می‌کند، چرا که ریچل توانمندی پذیرش تناقضات و تقابلات ساختاری را تحت عنوان بالاترین مرحله رشد شناختی تعریف کرده است و فلاور تفکر دیالکتیکی را با رشد اعتقادی مرتبط ساخته است.

تصور یک‌پارچه‌سازی معرفت قلب نوشته دکتر الزیرا است. او با نشان دادن این که دامنه الگوی اثبات‌گرائی^۲، با اصرار آن بر بی‌طرفی عینی، و الگوی تفسیری یا ساختارگرائی^۳ جایگزین با خودبنیادی و واقعیت‌های چندگانه آن، درحقیقت هر دو به سطح دنیوی محدود می‌شوند و هر دو الگو در انکار هر نوع واقعیت ماورائی مساوی می‌باشند، بنابراین وی به دنبال روشی برای شرح منسجم یک الگوی اسلامی کل‌گرائی واقعی و ابزارهای کاوش تحول‌نگر^۴ می‌باشد. وی با ترسیم صریح

-
1. Riegel and Flower
 2. Positivism Paradigm
 3. Constructivist or Interpretive Paradigm
 4. Transformative research

سیاحت معنوی و عقلانی^۱ خویش، اعتقاد خودش را جهت اعتبار بخشی و اهمیت دادن به تجربیات شخصی و تفحص داستانی^۲ به عنوان ابزارهای تحقیق، بیان می‌دارد.

مدل‌های رقابتی معلم محور و دانش‌آموز محور در بسیاری از روش‌ها، آینه دوگانگی اساسی میان دیدگاه‌های ساختارگرائی و اثبات‌گرائی هستند که در این کتاب توضیح داده شده است و دقیقاً نویسنده، محدودیت‌های هر دو دیدگاه را آشکار می‌سازد و اشاره دارد که آنچه این مدل‌ها بر آن تأکید دارند، رشد برنامه‌ریزی سکولار می‌باشد. وی معتقد است که تنها یک برنامه درسی هماهنگ با آموزش قرآن مقدس که منجر به فهم انسانی یک‌پارچه از خدا، جهان و ماهیت انسانی باشد می‌تواند به قدر کافی، ظرفیت سازگاری و تطبیق با الگوهای رقیب را پیدا کند. از آنجایی که این کتاب براساس دیدگاه و روش‌های خاصی تدوین گردیده است، به نظر می‌رسد قبل از ذکر توضیحات بیشتر پیرامون محتوای کتاب، لازم باشد جهت روشن‌گری بیشتر، در خصوص دیدگاه تربیتی مورد نظر و بعضی از روش‌های خاص مورد اشاره توضیحاتی ارائه گردد.

دیدگاه‌ها و روش‌های مطرح شده در کتاب

دیدگاه کل‌گرایانه یا ماورای فردی به عنوان دیدگاه تربیتی و پدیدارشناسی و هرمنوتیک به عنوان روش‌های تحقیقی سودمند جهت طرح الگوی اسلامی پیشنهادی در این کتاب مورد تأکید قرار گرفته‌اند.

دیدگاه کل‌گرایانه یا ماورای فردی^۳

این دیدگاه تأکید خود را بر شهود^۴ و استعلا قرار داده است. فرد از طریق شهود به

1 . spiritual and Intellectual Journey
2 . Narrative Inquiry
3 . Holistic Perspective
4 . intuition

تفکر خلاق و ادراک کل نگر دسترسی می یابد. استعلا میان خود درونی^۱ و محیط اتصال برقرار می کند و بدین ترتیب جهان درون و جهان برون وحدت می یابد. مریبان ماورای فردی می کوشند میان تفکر عقلانی و تفکر شهودی تعادل و توازن مناسب را به وجود آورند؛ به نظر ایشان، نظام های آموزشی به طور نسبی بر تفکر عقلانی به قیمت بی توجهی به تفکر شهودی تأکید کرده اند استفاده از تخیل^۲، جزئی از تفکر شهودی است. شهود و تخیل از آن جهت در دیدگاه ماورای فردی محوریت دارند که گرایش شهود به ادراک مشابهت های میان پدیده ها به جای تفاوت های آنهاست، به نظر مریبان ماورای فردی، شهود به ما اجازه می دهد وحدت نامشهود میان پدیده ها را درک کنیم. ویژگی اساسی دیگر دیدگاه ماورای فردی استعلاست، استعلا، مستلزم باز و گشوده بودن نسبت به هستی است. از طریق استعلا، رابطه ای پویا میان فرد و عالم کائنات ظاهر می شود. گشوده بودن نسبت به بی نهایت، ملازم با گشوده بودن نسبت به روحانیت انسان و پذیرای آن بودن است. روحانیت دلالت بر نوعی ارتباط میان حیات درونی فرد و بی نهایت دارد. آموزش و پرورش ماورای فردی درصدد پرورش و رشد ارتباط میان جهان درون فرد با جهان های خارجی است، این کار با استفاده از فنونی مانند تجسم، غور در باطن و عمل رویایی صورت می گیرد.

وجه تمایز آموزش و پرورش ماورای فردی با سایر دیدگاه ها را باید در تأکید این دیدگاه بر عمل درون و هشیاری روحانی^۳ جستجو کرد. استعلا و روحانیت از طریق ارتباط هایی که یک کل را تشکیل می دهند، به دست می آیند. قلب دیدگاه ماورای فردی را دل مشغولی برای کل گرائی^۴ تشکیل می دهد. آموزش و پرورش ماورای فردی، دستیابی به مرحله خود متعالی^۵ را به منزله غایت مطلوب و مرحله ای و رای خودکفایی مطرح می سازد. روش های تمرکزیابی گوناگونی از قبیل تجسم،

-
- 1 . Inner Self
 - 2 . Imagery
 - 3 . Inner Work / Spiritual Awareness
 - 4 . Wholeness
 - 5 . Self Transcendence

غور در باطن و حرکت، برای گام برداشتن در مسیر نیل به خود متعالی استفاده می‌شوند (میلر، ۱۹۸۳)

پدیدارشناسی^۱

این مفهوم یکی از اصطلاحات فلسفه متعارف است و در اواخر قرن هیجدهم به معنی مطالعه پدیدار، یعنی آنچه ظاهر و نمایان می‌شود به کار برده شده است. بنیانگذار پدیدارشناسی هوسرل است. هوسرل با تأسیس پدیدارشناسی، خود را هماهنگ با دکارت می‌دانست و یکی از جهات اشتراک این دو فیلسوف سعی آنان در قوام بخشیدن به فلسفه‌هایی بود که درست مانند علم به تمام معنی، مبتنی بر اصولی مطلقاً متقین باشد. طریقه مخصوص هوسرل که خود آن را به عنوان دهلیز فلسفه خود خوانده، تأویل پدیدارشناسی استعلائی است، این تأویل ابتدا درباره جهان اعمال می‌شود و فقط شامل موجود بودن جهان نمی‌شود بلکه دامنه شمول آن تمام علوم مربوط به جهان اعم از علوم طبیعت و علوم انسانی، مخصوصاً روان‌شناسی تجربی و انحاء آن را در برمی‌گیرد. می‌توان گفت با تأویل پدیدارشناسی، فیلسوف از لحاظ عقلی و فکری نوعی تغییر حالت و وضع می‌دهد و به جای اینکه مثل همه مردم، آنچه را می‌بیند، موجود و واقعی بداند، یعنی سطحی و جزمی باشد، حکم را معلق می‌دارد و همه اشیاء را صرفاً پدیدار می‌انگارد؛ در واقع با تأویل پدیدارشناسی، فلسفه مانند علم، اساس متقنی می‌یابد، بنابراین قلمرو پدیدارشناسی، وجدان محض یا حالات وجدان یا پدیدارهای آن است و چنانکه هوسرل می‌گوید پدیدارشناسی، به جهت تأویلی که دهلیز آن است، علمی است مطلقاً نفسانی و درون ذاتی^۲ و مربوط به فاعل حس و ادراک. در واقع می‌توان پدیدارشناسی را بحث تحلیل التفاتی یعنی تحلیل مقصدها و التفات‌های وجدان خواند. روش پدیدارشناسی عبارت است از اینکه در قبال متعلق‌ها و

1 . Phenomenologie
2 . Subjective

محتوای شناسایی، به آنچه تنها مورد نظر فیلسوفان یا عالمان است، از قبیل ارج آنها و واقعیت یا عدم واقعیت آنها توجه نشود بلکه آنها را چنانکه می‌نمایند و عرضه می‌شوند، به عنوان صرف وجه‌های نظر وجدان و به عنوان معانی، توصیف و ترسیم کنند و آنها را چنانکه هستند مرئی و آشکار سازند (روژه ورنو، ژان وال و دیگران، ۱۹۶۰).

هرمنوتیک^۱

این اصطلاح در اصل از واژه یونانی Hermeneuin گرفته شده و به معنای تفسیر کردن به کار می‌رود، هرمنوتیک، دانش تفسیر شناسی یا معنا شناسی یا گونه ای معرفت شناسی است و محور مباحث آن، فهم معنا و کشف معنا و روش تفسیر متون است. اصول دانش هرمنوتیک عبارتند از: تمایز شناخت تفهیمی با شناخت تبیینی، تفسیر یعنی دست یافتن به معنای درست متن، مسبوق بودن تفسیر به پیش فهم ها و نهایت آنکه استلزام دستیابی به مراد مولف جهت تفسیر درست. (باقری، ۱۳۸۲).

اکنون به اجمال محتوای کتاب را مورد بررسی قرار می‌دهیم، نویسنده در مقدمه کتاب بیان می‌دارد که نوشتن در خصوص معرفت‌شناسی اسلامی، الگوی اسلامی و تعلیم و تربیت اسلامی، وظیفه‌ای بسیار سخت است اما با وجود آگاهی از محدودیت‌های موجود در این راه، به جهت اجابت ندای درونی و پاسخ به احساس عقلانی پرشور خویش و عدم رضایت و خشنودی از رشته تحصیلی مربوطه به دلیل سروکار داشتن آن با طرح‌های آماری و مدل‌های کامپیوتری و وضعیت سخت و خشک حاکم بر این رشته، و در جهت پاسخ‌گویی و شفاف‌سازی سؤال چیستی مسائل تربیتی معنادار، به دلیل فایده‌مندی آن برای معلمان در جهت توسعه برنامه‌های آموزشی‌شان، تصمیم به تدوین این کتاب گرفته است و معتقد است که

1 . Hermeneutics

اعتقاد تردیدناپذیر او به خدا، باعث گردیده است که وی به مسیر مستقیم هدایت گردد و ذره‌ای از حقیقت را دریابد. وی اشاره دارد که کل‌گرایی به عنوان مشخصه منحصر به فرد معرفت اسلامی، باعث می‌گردد که تمامی دانش‌ها یکپارچه و مرتبط گردند و دیواره و مانعی میان رشته‌های مختلف وجود نداشته باشد، چرا که هدف تمامی رشته‌ها فهم حقیقت به وسیله درک عالم صغیر و عالم کبیر است. درک حقیقت مطلق یک موضوع اساسی و محوری در علوم طبیعی، علوم اجتماعی، جهان‌شناسی یا جغرافیا است و روش تفکر از آن جهت مهم است که منجر به فهم وحدت و یگانگی جهان و خود می‌گردد و گفتگو یا تضاد میان اندیشه‌های متناقض، سرانجام منتهی به یک اندیشه اساسی می‌شود که ترکیبی از اندیشه‌های متضاد است. وی بیان می‌دارد که فصل‌های این کتاب به دنبال ارائه چشم‌اندازهای اساسی در خصوص معرفت‌شناسی اسلامی از دیدگاه تربیتی هستند و تأکید بر آن دارد که روش‌های ذکر شده در این کتاب جهت تولید دانش، مناسب جوامع و فرهنگ اسلامی می‌باشند. علاوه بر موضوعات مرتبط با تولید دانش، در این کتاب روش‌های کسب دانش و روش‌های تحول‌نگر در زمینه آموزش و یادگیری، مورد بحث قرار گرفته‌اند. نویسنده اشاره دارد که کل‌گرایی، وحدت، هماهنگی و تعادل، مفاهیم مهمی، نه تنها در توسعه برنامه‌های اسلامی و نظام‌های تربیتی، بلکه در تمامی موقعیت‌های انسانی و جهانی هستند. وی معتقد است آگاهی از اصول کل‌گرایی، وحدت، کثرت و ارتباط میان آنها به فرد کمک می‌کند که فهم، گشادگی و کمال خود را توسعه بخشد و این امکان را فراهم می‌سازد که فرد در یک میدان وسیع‌تر علمی، عمل کند و در این طریق است که افراد می‌توانند پیام‌زنند که خدا، تناقضات را خلق کرده است نه برای جنگ در مقابل یکدیگر، بلکه جهت کشف و فهم موشکافانه اخبار یک موضوع یا موضوعات گوناگون در سطوح و جنبه‌های مختلف، پس مردم می‌توانند نیروهای رشد‌دهنده و متحول‌کننده را دریابند و می‌توانند به جای آنکه در مقابل آنها قرار بگیرند با این نیروها کار کنند.

محتوای کتاب

این کتاب به چهار قسمت تقسیم می‌گردد که هر قسمت دربردارنده چند فصل می‌باشد.

قسمت اول، با عنوان تفکر بر روی تجربیات شخصی به دو فصل تحت عنوان سیاحت عقلانی و روحانی و روحانیت بهترین راز حفظ زن تقسیم می‌گردد. قسمت دوم، تحت عنوان مرور و انتقاد نیز به دو فصل تحت عنوان الگوهای متعارف و متداول و تفکر انتقادی در الگوهای موجود تقسیم می‌گردد. قسمت سوم، تحت عنوان معرفت اسلامی شامل سه فصل تحت عنوان یک دیدگاه اسلامی، الگوی اسلامی، معرفت شناسی اسلامی راه میان بری به دانش، می‌گردد.

قسمت چهارم، تحت عنوان تحول از طریق تعلیم و تربیت دو فصل را تحت عنوان کاوش تحول‌نگر - روش‌ها: یک دیدگاه اسلامی و یادگیری تحول‌نگر دربردارد.

فصل اول: سیاحت عقلانی و روحانی

این فصل با تجربیات فردی سروکار دارد و شامل یک خلاصه‌ای از سیاحت معنوی و عقلانی نویسنده می‌گردد.

دکتر الزیرا بیان می‌دارد که این کتاب از تجربیات فردی او ریشه گرفته است و اشاره دارد که سیاحت را با بی‌میلی شروع کرده و در ابتدا احساس ناخوشایندی داشته است و به تدریج مواجه با یک کورسوئی از روشنائی گردیده است و ناگهان با یک دشت بازی همراه با نور خورشید روبرو گردیده است و در این هنگام ریسمان طلائی^۱ معنویت و عشق جاری در آن را دیده است و همزمان متوجه تضاد میان جنبه‌های عقلانی و فکری موجود در وجود خویش شده است و تضاد میان

1 . Golden Thread

شرق و غرب وجود و جامعه خویش را دریافته است و بعد از تلاش، از طریق تضاد، به یک مرحله‌ای از آشتی و تطبیق با این تضادها رسیده است، وی بیان می‌دارد که از طریق بازگویی تجربیات درونی، می‌توان آنها را اصلاح کرد و به ارزیابی آنها پرداخت و اصلاح تجربیات باعث تسهیل روند دگرگونی و تحول می‌گردد که هدف تعلیم و تربیت می‌باشد و معتقد است لحظه فهم معنویات و تصدیق آن، نقطه تحولی در زندگی دانشجویان ایجاد خواهد کرد که به موجب آن، مطالعات‌شان نیز تحول اسلامی پیدا خواهد کرد.

این فصل ارائه‌کننده معنویت از دیدگاه یک زن است که نویسنده امیدوار است این الگو در ادبیات اسلامی جاری گردد. منظور وی، احاطه تجربیات فردی به عنوان مبنائی برای کشف و هویدا سازی داستان‌ها یا حوادث گذشته و روشی است که این حوادث با یکدیگر جهت کسب دانش به کار گرفته می‌شوند. وی معتقد است تفکر بر روی تجربیات فردی، اجازه خواهد داد که فرد، معانی حوادث نهفته‌ای را دریابد که در غیر این صورت، مورد توجه قرار نخواهد گرفت.

فصل دوم: روحانیت بهترین راز حفظ زن

نویسنده در این قسمت توضیح می‌دهد که چرا روحانیت زن به طور خاص مطرح گردیده است و علت آن را چنین بیان می‌دارد که بیشتر مکتوبات موجود را مردان نگاشته‌اند و همچنین تفکر دیدگاه مردانه در معنویت حاکم می‌باشد و هدفش آن است که بیان دارد، زنان فرهیخته با دیدگاه خاص معنوی نیز وجود دارند و بنابراین زنان را تشویق به بیان دیدگاه‌های مختلف علمی می‌کند. وی به دنبال آن است که تأثیر روحانیت زنانه را در ایجاد معرفت اسلامی بیان دارد، و معتقد است روحانیت باعث توانمندی زن می‌گردد، او را ارتقاء می‌بخشد و در نتیجه روش‌ها و مفاهیم علمی مختلفی را برایش فراهم می‌سازد.

دکتر الزیرا بیان می‌دارد که اگر هدف این است که معرفت اسلامی ایجاد کنیم، چنانکه بیشتر محققان مسلمان مدعی آن هستند، پس یک سنجشی از روح معنوی

ضرورت دارد. وی بیان می‌دارد که دانش اسلامی به کار رفته در این کتاب، به معنای دانشی است که بر اساس یک الگوی اسلامی قرار دارد و بر مبنای معرفت‌شناسی و روش‌شناسی اسلامی استخراج گردیده است. او اذعان می‌دارد که این کتاب، طرح کلی یک تحقیق، کار سخت و تفکر ملال‌انگیزی بوده است که از سال ۱۹۸۹ شروع گردیده است و پس از آن با درک معنویت در زندگی خویش و مطالعه آثار علمی اسلامی تدوین شده توسط محققان مسلمان، تلاش داشته است که اندیشه الگوی اسلامی را تدوین نماید و این الگو را درون آموزش و نظریه‌های یادگیری وارد سازد و از آن زمان، به دلیل آنکه الگوی آموزش مورد نظر از منظر دینی و اسلامی مورد تعقیب قرار گرفته بود، تعلیم و تربیت برای وی و دانشجویانش، معنادارتر گردیده است. نویسنده در فصل دوم به دنبال آن است که یک تعلیم و تربیتی را بر اساس معرفت‌شناسی اسلامی بسط دهد که هم پاسخگوی نیازهای معنوی و هم پاسخگوی نیازهای عقلانی موجودات انسانی باشد، این فصل بر اساس سه منبع تدوین گردیده است: سیاحت عرفانی رابعه (زن دانشمندی که شیفته عشق الهی گردیده است)، نظریه دانشی غزالی (مشهورترین و مؤثرترین متفکر مسلمان قرن دهم میلادی) و مفهوم چینی دو واژه یین و یانگ.^۱ دکتر الزیرا اشاره دارد که از این دو مفهوم مکمل، معنای کل‌گرائی، وحدت و هماهنگی را آموخته است.

موضوعات دقیق‌تر این دو فصل شامل گسیختگی و کل‌گرائی، واردکردن نظام اعتقادی به درون هستی فرد، نظریه غزالی در خصوص خصیصه و معنویت شامل صبر و تعلیم و تربیت، سپاسگزاری و شکرگذاری، توکل، عفت، متانت و قدرت می‌گردد.

1 . Yang and Yin

فیلسوف چینی قرن دوازدهم Chu His، توضیح می‌دهد که واژه Yin، به معنای آرامش و واژه Yang به معنای فعالیت است و تناوب مداوم Yin و Yang، در عمل تولیدکننده پنج عامل: آب، زمین، فلز، آتش و چوب است.

فصل سوم: الگوهای متعارف و بدیل^۱

این فصل، مروری بر ادبیات الگوهای متعارف و متناوب حاکم بر علوم اجتماعی یعنی دیدگاه اثبات‌گرائی و ساختارگرائی دارد. این فصل، زمینه‌ای را برای الگوی اسلامی فراهم می‌سازد و در هر دو الگوی نامبرده موضوعات در سه سطح وجودشناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناختی مورد بحث قرار گرفته‌اند؛ مطالب این فصل اساساً بر مبنای اندیشه‌های گوبا و لیکونا^۲ در خصوص الگوها پایه‌ریزی شده است.

فصل چهارم: تفکر انتقادی بر الگوهای موجود

این فصل، ارائه‌کننده تفکر انتقادی بر الگوهای اثبات‌گرائی و ساختارگرائی است و بیانگر آن است که هر دو الگو جهت تولید دانش اسلامی، نامناسب هستند و همچنین تمامی الگوهای موجود، گسیخته و کاهش‌گرا^۳ هستند و هیچ‌یک از الگوهای موجود، گنجایشی برای سروکار داشتن با تضادها در زمان مشابه ندارند. مطالب ذکر شده در این دو فصل شامل موضوعات وجودشناسی، معرفت‌شناسی، روش‌شناختی الگوهای اثبات‌گرا و ساختارگرا، عینیت‌گرائی در تحقیق علمی، معمای ذهنیت، عینیت، تصدیق‌شناختی، تصدیق‌تربیتی و تصدیق‌تدبیری می‌گردد.

فصل پنجم: یک دیدگاه اسلامی

این فصل، ارائه‌کننده نوعی دیدگاه اسلامی است که هم مذهبی، فلسفی و هم عقلانی می‌باشد. در اینجا، یک دیدگاه توحیدی مطرح می‌گردد که توجه به خدا به عنوان واقعیت مطلق و منبع وجود در آن مطرح گردیده‌است و سپس توحید به عنوان

1 . Conventional and Alternative Paradigms
2 . Guba and Licona
3 . Reductionist

جوهر اسلام و دیالکتیک توحیدی با جزئیات کامل بحث شده است. نویسنده بیان می‌دارد که مفهوم دیالکتیک توحیدی مطرح شده، ممکن است باعث نگرانی عده‌ای شود چرا که این مفهوم، معنای متناقضی را دربردارد؛ از یک سو، توحید، بیانگر یکی بودن و وحدت است، از سوی دیگر دیالکتیک، به معنای اندیشه‌های مخالف و متضاد است و سپس توضیح داده می‌شود که دیالکتیک، ذاتا معنای توحید را دربردارد.

فصل ششم: الگوی اسلامی

هدف از این فصل، ارائه الگویی اسلامی برای دانشگاه‌های اسلامی و تولید دانش اسلامی می‌باشد، الگویی که معنوی، جامع و یک‌پارچه باشد و بتواند کل‌گرائی اسلامی را دربربگیرد. نویسنده بیان می‌دارد که دیدگاه اسلامی اشاره شده شامل شش اصل است که هدف آنها، توسعه امور زیر می‌باشد:

روان‌شناسی معنوی اسلامی و وحدت خود

معرفت‌شناسی اسلامی و یک‌پارچگی دانش

وجودشناسی اسلامی و متافیزیک و وحدت نظم گیتی

غایت‌مندی اسلامی و یک‌پارچگی زندگی

جامعه‌شناسی اسلامی و وحدت جامعه

روش‌شناسی اسلامی و توحیدی و وحدت غائی

موضوع مشترک در تمامی اصول الگوی اسلامی، توحید دیالکتیکی است. الگوی مذکور، از سویی یک الگوی روحانی و یک‌پارچه، الهی، معنوی، دینی، اخروی، ثابت، مطلق و ایده‌آل است از طرف دیگر این الگو، انسانی، مادی، منطقی، دنیوی، متغیر و نسبی است؛ این تضادهای دوگانه، اساسا به وسیله توحید درآمیخته شده‌اند. این الگو براساس دیدگاه قرآنی بنیاد نهاده شده است و اصول آن از متون دینی استخراج گردیده است.

فصل هفتم: معرفت‌شناسی اسلامی، راه میان‌بری به دانش

در این فصل، معرفت‌شناسی اسلامی با توجه به نظریه امام محمد غزالی که برگرفته از فلسفه ابن‌سینا و فارابی می‌باشد؛ توضیح داده شده است و توحید به عنوان اساس این معرفت‌شناسی مورد بحث قرار گرفته است و کل‌گرایی و تقدس به عنوان دو ویژگی خاص معرفت‌شناسی اسلامی مطرح گردیده‌اند و جایگاه آنها در تعلیم و تربیت اسلامی مشخص گردیده است.

در مجموع موضوعات این سه فصل شامل: دیدگاه اسلامی توحیدی، رشد از دیدگاه اسلامی، ذهن از دیدگاه اسلامی، خودآگاهی، نظریه غزالی در خصوص دانش، دانش و اسلام، دیدگاه کل‌نگر در خصوص دانش، می‌گردد.

فصل هشتم: کاوش تحولی - روش‌ها: یک دیدگاه اسلامی

در قسمت آخر کتاب، هدف نویسنده، فراهم‌سازی روش‌ها و راهبردهای عملی برای دانشجویان دانشگاه‌ها جهت عملی ساختن اندیشه‌های ارائه شده در قسمت سوم کتاب می‌باشد؛ بنابراین در اینجا تلاش شده است از نظریه به سمت عمل حرکت شود. این فصل، دربردارنده روش‌های تحقیقی متحول‌کننده و روش‌های تحقیقی هدفمند می‌باشد. تحقیق پدیدارشناسی، هرمنوتیکی، مکاشفه‌ای و داستانی به عنوان روش‌های تحقیقی پیشنهاد شده‌اند؛ پدیدارشناسی و هرمنوتیک می‌توانند در زمینه موضوعات فرهنگی و جامعه‌شناختی به کار برده شوند و روش مکاشفه‌ای و داستانی، منجر به تجربیات فردی و اساسی می‌گردند. در این فصل، نظریه ساختارهای پراکنشی^۱، فرایند تغییرناپذیری را در طبیعت توضیح می‌دهد.

فصل نهم: یادگیری تحولی

این فصل با موضوعات روش‌شناختی از چشم‌انداز آموزش، یادگیری و به عبارت

1 . Dissipative

دیگر از منظر کسب دانش، سروکار دارد، چرا که برای اینکه دانشجو قادر باشد که به طور معنوی فکر کند، باید تعلیم ببیند و مجهز به روش‌هایی گردد که هم ذهن را توسعه دهد و هم روح را منضبط سازد، روش‌هایی که در اینجا پیشنهاد گردیده است شامل: تفکر دیالکتیکی، اندیشه و تعمق، مکالمه و گفتگو می‌گردد؛ اولین دیدگاه، تفکر دیالکتیکی و خلاق است که به دانشجویان کمک می‌کند که توانمندی عقلانی خود را توسعه دهند و ارتباط بین جسم و ذهن را برقرار سازند؛ همچنین اندیشه و تعمق، دانشجویان را با وجود درونی و سرشت معنوی‌شان مرتبط می‌سازد؛ مکالمه و گفتگو باعث می‌گردد که میان فرد و جامعه، والدین و بچه‌ها، معلم و دانشجو، ارتباط و تبادل نظر برقرار گردد و در این فرایند، فرد تکامل یافته با جامعه یک‌پارچه، مرتبط خواهد گشت. موضوعات این بخش از کتاب شامل: ساختارهای پراکنشی و تحولی، اثبات‌گرایی به عنوان یک نظام بسته، پدیدارشناسی، کاوش مکاشفه‌ای، هرمنوتیک، داستان و شرح زندگی، تفکر دیالکتیکی و رشد اعتقادی، بیداری روح، عبادات آئینی، تفکر، هنر مکالمه، و گفتگو به عنوان یک ابزار ارتباطی، می‌گردد.

در پایان نویسنده، بیان می‌دارد که بیشتر مؤسسات تربیتی در شرق و غرب، صرفاً به ذهن موجودات انسانی توجه دارند و روح آنها را فراموش کرده‌اند، بدین ترتیب، آنها نوعی از موجودات بشری را پرورش می‌دهند که در زمینه توانمندی‌های عقلانی پیشرفت کرده‌اند اما در زمینه توانمندی‌های روحی دچار فقر و ضعف هستند.

نتیجه‌گیری

در سال‌های اخیر، شاهد گرایش فزاینده‌ای به عوالم معنوی در بین مردم در سراسر جهان می‌باشیم (میلر، ۱۹۸۳)، به طوری که افراد تلاش دارند تا معنویت را در هر بخش زندگی خود وارد سازند تا به یمن رنسانس معنوی و تجدید حیات، معنا و جهت اساسی‌تری به زندگی خود بدهند، همان‌گونه که دیدیم این امر در زندگی

خانم دکتر زهرا الزیرا، نویسنده کتاب مورد بحث، تحقق عملی یافته است. باید اذعان نمود که اساس و پایه و نقطه شروع این حرکت را می‌باید از آموزش و پرورش آغاز کرد؛ به نحوی که بتوان کلاس درس را به جایگاهی زنده و پرنرژی تبدیل ساخت، چرا که آموزش و پرورش با روح و پراحساس، می‌تواند بین عوامل درونی و بیرونی، عقلانی و ذاتی، کمی و کیفی و مادی و معنوی توازن ایجاد کند و همه اینها، راه را برای حضور سازنده دین در امور فردی و اجتماعی زندگی اشخاص فراهم خواهد ساخت؛ چنان‌که شهید استاد مطهری به عنوان یک اصلاح‌طلب مسلمان و یک شخصیت برجسته مذهبی و علمی، احیای دین و اندیشه دینی را جزء ضروریات اساسی جامعه می‌دانستند (سخنرانی دین و اصلاح دین‌داری، ۱۳۷۹). احیاگری دینی عبارت است از بازپیرائی و واخوانی گزاره‌ها و آموزه‌های دینی، در جهت مهجوریت‌زدایی از آن و رفع اجمال و اهمال از آن و تصحیح سیر دین‌داران، براساس انگیزه، رهیافت و روشی معین، احیاگری دینی عبارت است از احیای دین در مقام فکر و آگاهی و در حوزه فعل و حرکت. نحوه رهیافت احیاگران به دین می‌تواند به یکی از صورت‌های فلسفی، عقلانی؛ نقلی، اسنادی؛ اجتماعی، سیاسی؛ معنوی، عرفانی؛ پدیدارشناسی و کارکردی انجام گردد. (رشاد، ۱۳۸۲) و در نهضت احیاگری می‌باید به روش‌های ذیل توجه داشت:

دفاع و استدلال عقلی توأم با واخوانی و بازپیرائی، به مدد فلسفه؛
 بازپیرائی و تبیین درون دینی با اسناد و مراجعه به متون مقدس؛
 تطبیق و قرائت علمی دین همراه با بازپیرائی و آرایش به مدد داده‌های علوم طبیعی، انسانی و اجتماعی؛
 تبیین ایدئولوژیک دین با شرح مبادی تصویری شریعت اجتماعی آن و گسترش و ژرفابخشی به قلمرو فقه و علوم فقهی؛
 تبیین ابعاد عرفانی، معنوی دین و ترویج و تقویت معنویات جامعه؛
 مطالعه و تشریح جامعه‌شناختی و مردم‌شناختی جامعه دینی و تحریر انگیزش اجتماعی دین‌داران؛

بررسی روش‌شناختی و عقلانی مبادی و منابع دین و معرفت دینی (رشاد، ۱۳۸۲).

نقد و بررسی

از آنجایی که توسعه زندگی معنوی، یکی از ضرورت‌های اساسی جامعه امروز است، به نظر می‌آید تدوین کتب تربیتی با توجه به چنین رویکردی می‌تواند گام مثبتی در جهت تحقق این هدف باشد. باید به افراد آموخت که از طریق تجربه عشق معنوی، می‌توانند شگفتی و اسراری را که بخشی از زندگی معنوی آنان را تشکیل می‌دهد، مورد بررسی قرار دهند و آموزش و پرورش، می‌تواند با تنظیم برنامه‌های درسی با رویکرد روحانی^۱ و وارد کردن تفکر معنوی به درون فعالیت‌های روزانه دانش‌آموزان، حیات دنیوی آنان را جهت بخشد و وجود درونی آنان را سرشار از شور و نشاط سازد. از آنجایی که متأسفانه امروزه تقویت بعد معنوی انسان‌ها در عرصه جهان علمی، کم‌رنگ گردیده است، به نظر می‌آید، مطالعه کتاب‌هایی با رویکرد و سبک نوشتاری به کار رفته در این کتاب، می‌تواند در جهت خودسازی اخلاقی، رفع خلاهای روحی و روانی و معنا بخشیدن به زندگی و فهم ارتباط بین حیات دنیوی و اخروی بسیار مثمر ثمر باشد. در واقع محتوای کتاب‌هایی از این نوع، امکان تحقق تجربه دینی را هویدا می‌سازند.

همچنین، باید نکته‌ای را هم در جهت ضعف نگارشی این کتاب از جهت تنظیم مطالب مورد اشاره قرار داد: از آنجایی که این کتاب براساس دیدگاه‌های نظری صاحب‌نظران عرصه‌های مختلف علمی و معرفتی شامل فلاسفه (غزالی، ابن‌سینا، فارابی)، روان‌شناسان (ریچل و فلاور)، عرفا (رابعه)، محققان عرصه علوم اجتماعی (گوبا و لیکونا)، تدوین گردیده است و از سوی دیگر، مفاهیم خاصی، مبنای طرح کلی این کتاب را تشکیل داده‌اند؛ مانند تفکر دیالکتیکی، دیدگاه کل‌گرائی، روش

1. Spiritual

پدیدارشناسی، روش هرمنوتیک، روش مکاشفه‌ای، روش داستانی، ساختارگرائی، تفسیرگرائی، طبیعتگرائی، ساختارگرائی پراکنشی، اثبات‌گرائی، به نظر می‌آید برای فهم مطلوب‌تر، فصاحت و تصریح بخشی بیشتر به کلام و درک ارتباط منطقی میان دیدگاه‌ها و مفاهیم مورد نظر نویسنده با مطالب کتاب، نیاز دیده می‌شود که نویسنده، توضیحاتی را چه در قالب پاورقی یا در پایان کتاب درخصوص دیدگاه‌ها و مفاهیم مربوطه ارائه می‌نمود تا خواننده فهم عمیق‌تر و معنادارتری از محتوای کتاب پیدا می‌کرد.



منابع

- باقری، خسرو (۱۳۸۲)، *هویت علم دینی*، نگاهی معرفت‌شناختی به نسبت دین با علوم انسانی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- جابر العلوانی، طه (۱۳۷۷)، *اصلاح تفکر اسلامی*، ترجمه محمود شمس، نشر قطره.
- رشاد، علی اکبر (۱۳۸۲)، *دین پژوهی معاصر*، درنگ و درایتی در گفتمان‌های دینی سنتی، متجدد و مجدد، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- روژه ورنو، ژان‌وال و دیگران (۱۳۷۲)، *نگاهی به پدیدارشناسی و فلسفه‌های هست بودن*، برگرفته و ترجمه یحیی مهدوی، انتشارات خوارزمی.
- مؤسسه جهانی اندیشه اسلامی (۱۳۷۴)، *معرفت‌شناسی اسلامی*، طرح، برنامه، عملکرد، انتشارات ایران و اسلام.
- مهرمحمدی، محمود (۱۳۸۱)، *برنامه درسی: نظرگاه‌ها، رویکردها و چشم‌اندازها*، به نشر.
- میلر، جی. پی (۱۳۸۲)، *نظریه‌های برنامه درسی*، ترجمه محمود مهرمحمدی، سمت.
- Al-zeera, Zahra (2001), *Wholeness and Holiness in education: an Islamic perspective*, The International Institute of Islamic Thought

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی